

دستان خیس باران

(مجموعه شعر)

اردشیر هادوی حاجتی



۱۳۹۵

سرشناسه: هادوی لولتی، اردشیر، ۱۳۶۱-
عنوان و پدیدآور: داستان خیس باران: (مجموعه شعر) / اردشیر هادوی لولتی.
مشخصات نشر: شیراز، رخشید، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.
شابک: 0 - 54 - 5723 - 600 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا.
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: Persian poetry -- 20th century
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ د ۵ ۳۴ الف / PIR ۸۳۶۴
رده‌بندی دیویی: ۶۲ / ۱ فا ۸
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۹۱۱۴۲



● داستان خیس باران ● مجموعه شعر ● اردشیر هادوی لولتی

○ ویرایش: مرضیه مرادی ○ صفحه‌آرایی: علی جعفری ○ طرح جلد: مرضیه مرادی
○ چاپ اول، ۱۳۹۵ ○ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه ○ قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

نشانی: شیراز، خیابان نیایش، کوچه ۱۱. همراه: ۰۹۱۷۱۰۳۱۸۴۳

رایانامه: mojtaba.jafari55@yahoo.com

مرکز پخش: ۰۹۱۱۲۵۵۹۷۴۲ و ۰۹۳۵۴۲۲۱۱۷۴

ISBN: 978 - 600 - 5723 - 54 - 0

شابک: ۰ - ۵۴ - ۵۷۲۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸

فهرست

۱۱		مقدمه
۱۵		نفرین آذر.....
۱۷		زیبایی محض
۱۹		چشم باران زده.....
۲۱		عشق.....
۲۳		زخمی
۲۵		آشنای قدیمی
۲۷		درد.....
۲۹		ای صدایت دلنشین...
۳۱		بوق اشغال.....
۳۳		صیاد
۳۵		آتش گرفت.....

۳۷	شور غزل خوانی
۳۹	ساحل دریای نوشهر
۴۱	کوچه‌ی غزل
۴۳	یلدا
۴۵	تو که رفتی
۴۷	هامن تشنه لب
۴۹	حزین رویا
۵۱	فال
۵۳	بی بال و پر
۵۵	شاید این بار
۵۷	مژده‌ی وس
۵۹	احساس خشکیده
۶۱	خدا کند که بیایی...
۶۳	یخ در بهشت
۶۵	افسانه
۶۷	دل را به یغما می‌بری آخر
۶۹	خواب چکاوک
۷۱	عشق ممنوع
۷۳	تنهایی
۷۵	می‌فهمی...؟
۷۷	صدای عاشقی
۷۸	کافه
۸۱	وقتی با منی
۸۳	مبادا...
۸۵	رو سری
۸۷	چه تنهایی بی‌رحمی؟
۸۹	نخستین شعر...

۹۱	رنگ عشق
۹۴	آخرین سوت قطار
۹۷	ببخشم...
۹۹	مال منی تو
۱۰۱	چه فرقی می‌کند؟
۱۰۳	کو رامش
۱۰۵	صخره و ساحل
۱۰۷	زن باش...
۱۰۹	تهران و ...
۱۱۱	شاعر شده‌ام
۱۱۲	یلدای چشمانت
۱۱۳	آزاده
۱۱۴	دروازه‌های تخت جمشید
۱۱۵	استکان بوسه
۱۱۶	دلشوره
۱۱۷	مرد تنها
۱۱۸	عشق یعنی...
۱۱۹	درون من مردی‌ست...
۱۲۱	متولد کدام ماه تقویم؟...
۱۲۳	سهم من
۱۲۴	ترکیب جنون
۱۲۵	حماقت محض
۱۲۷	سنگسار
۱۲۹	انتظار...
۱۳۱	پرگار
۱۳۳	مدار چشمانت...
۱۳۵	زیر درخت خرمالو

۱۳۶	زبان مشترک
۱۳۷	فروغ جمعه‌ی تیرماه
۱۳۹	برکت
۱۴۱	شکوفه‌ی یخ‌بندان
۱۴۳	دلیل شعر
۱۴۵	خوشید و گلبرگ
۱۴۷	مان با من

مقدمه

وقتی برای اولین بار دسسه‌ی قائم شدم، هجده ساله بودم. تمام نشده بود. در آن سال‌ها، به لطف پدرم که هیچگاه به مدرسه نرفته بود، اما خواندن و نوشتن می‌دانست - که این همیشه برای من یک نکته‌ی عجیب و نشانه‌ای از معجزات بی‌شمار خدا در زندگی‌ام است. توانستم بنویسم و بخوانم.

از همان زمان همیشه نوشتن را بیشتر از خواندن دوست داشتم؛ چراکه نوشتن، همیشه به من آرامش می‌داد. شاید نتوان به سادگی از تأثیر محیط اجتماعی‌ای که در آن متولد شدم و رشد کردم، در علاقه‌ی من به ادبیات، گذشت.

روستای محل تولد من - روستای لولت در شمال کشور، از توابع شهر ساری - که در میان جنگل‌های انبوه محصور است و رودخانه‌ی زیبایی در زیر پای آن جریان دارد، نقشی از یک تابلوی چشم‌نواز درآمیخته با

یک سمفونی گوش نواز را بر پهنه‌ی طبیعت هزار نقش آفریده‌ی خدا دارد که هر ذوق سلیمی را به وجد می‌آورد.

قدم‌های اولیه‌ی نگارش را با همراهی معلم کلاس چهارم و پنجم ابتدایی - خانم فرشته خشکیفا - که حق بسیار بسیار بزرگی به گردن ما دارند، آموختم. ایشان در جریان درس انشا، همیشه نکات بسیار و کاربردی را به من تذکر می‌دادند تا نوشته‌هایم شکل و قالب بهتری به خود بخیرد.

اما شکر که به کمال متعالی هنر قلم است را در دوره‌ی راهنمایی و به لطف معلم ادبیات فارسی ام - آقای صفرعلی صفری راد - شناختم. ایشان نخستین کسی بود که به توانایی سرایش شعر در من پی برد و آن را تقویت کرد. جالب، اینست، این معلم بزرگ فقط زمانی در موقع یک امتحان به من نمره‌ی بیست می‌دادند، که بنده در کنار حل درست تمامی سؤالات، چند بیت شعر هم می‌سر دادم؛ و به این ترتیب مرا تشویق به سرودن می‌کرد.

آن سال‌ها شعرهایم آن قدر نقص داشت و دایره‌ی بود - البته اکنون نیز هیچ ادعایی نسبت به کمال شعرم ندارم و معتقدم که بهر متنی هر روز بهتر از روز پیش شوم و هر انتقاد منصفانه‌ای را با جان و دل می‌پذیرم - که وقتی امروز به آن‌ها را مرور می‌کنم، شاهد هیچ اتفاق ناخوشانه‌ای در آن‌ها نیستم. اما همان مشق‌های شعرگونه، باعث شد تا هم با دنیای شعر آشنا شوم و هم با علاقه‌ی بیشتری شعر را دنبال کنم.

پس از آن سال‌ها، به وسیله‌ی مطالعه‌ی آثار شعرای بزرگی از متقدمین و متأخرین، با ظرافت‌های شعر بیشتر مأنوس شدم و به لطف

آثار و اندیشه‌های استادی بی‌مانند چون علی معلم دامغانی، توانستم با مسیر خلق یک شعر خوب، آشنا شوم و همواره سعی‌ام بر این بوده است که هر روز نکات بیشتری از شعر بدانم و بفهمم و به کار بگیرم. شعر همواره بهترین مونس و همراه من بوده است و خواهد بود. در سال‌های شیرین تحصیل، سال‌های خاطره‌انگیز خدمت مقدس سرکاری، سال‌های سخت اولیه‌ی غربت که برای اولین بار زندگی دور از خانواده را تجربه کردم و همه‌ی روزهای تلخ و شیرین زندگی... مجموعه‌ی پیش و، بخشی از آثاری هستند که طی سالیان اخیر خلق شدند و آن را تقدیم می‌کنم به همه‌ی کسانی که همیشه همراه، همدل، مشوق و منتقد من در راهی که انتخاب کردم، بودند.

اردشیر هادوی لولتی

زمستان ۱۳۹۵